

از اسرار تا مکاشفه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دانیال ۲: ۱ تا ۱۶؛ اعمال ۱۷: ۲۸؛ دانیال ۲: ۱۷ تا ۴۹؛ مزامیر ۱۳۸؛ یوحنا ۱۵: ۵؛ تثنیه ۳۲: ۴؛ اول پطرس ۲: ۴.

آیه حفظی: « دانیال گفت: متبارک باد نام خدا تا ابدالآباد، زیرا حکمت و توانایی از آن اوست » (دانیال ۲: ۲۰).

در آبهای اطراف گرینلند توده های یخ شناور در اندازه های مختلف وجود دارند. گاهی اوقات توده های کوچک یخ در یک جهت حرکت می کنند در حالی که تکه های عظیمی از آنها در جهت دیگر در جریان هستند. آنچه اتفاق می افتد این است که باد های سطحی تکه یخ هایی را که کوچکتر هستند هدایت می کنند، در حالی که توده های عظیم یخ در اثر جریان های عمیق اقیانوس جابجا می شوند. هنگامی که ما ظهور و سقوط کشورها را در طول تاریخ ملاحظه می کنیم، آنها مشابه بررسی بادهای سطحی و جریان آب های اقیانوس هستند. بادهای معرف تمامی چیزهایی هستند که تغییر پذیر بوده و غیر قابل پیش بینی هستند، درست همچون اراده انسان هستند. اما حرکت همزمان این بادهای تند و شدید، ناگهان به نیروی دیگری تبدیل می شوند که حتی قوی تر و بسیار شبیه جریان های اقیانوس هستند. این اقدام برحق خداوند و اهداف حکیمانه و مقتدرانه اوست. همانطور که الن جی وایت گفت: « مانند ستارگان که در مداری تعیین شده که بسیار بزرگ است در حرکت هستند، اهداف خداوند نه شتابند و نه در تأخیر » - آرزوی اعصار، صفحه ۳۲. گرچه ظهور و سقوط ملتها، ایدئولوژی ها و احزاب سیاسی به نظر می رسد که تنها با صلاحدید انسانی اتفاق می افتند، اما دانیال باب ۲ نشان می دهد که در واقع این خدای آسمان است که تاریخ انسانی را به پایان رسمی خود هدایت می کند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ دی - ۱۸ January آماده شوید.

حضور فراگیر خداوند

دانیال باب ۲: ۱ تا ۱۶ را بخوانید. عبرانیان با چه بحران‌هایی مواجه شدند بخاطر رویایی که خداوند به پادشاه داد؟

رویاهای در دنیای باستان بسیار جدی در نظر گرفته می‌شدند. هنگامی که یک رویا به نظر بدشگون می‌رسید، اغلب نشان می‌داد که یک فاجعه در حال وقوع است. بنابراین، قابل درک است که چرا نبوکدنصر در مورد رویایش مضطرب می‌شود. چیزها حتی بیشتر شوم به نظر رسید هنگامی که او رویا را به خاطر نیاورد. حکیمان بابلی معتقد بودند که خدایان می‌توانند تفسیر رویاهای را بیان کنند، اما در مورد این رویا در کتاب دانیال، هیچ کاری نیست که تعبیرکنندگان خواب بتوانند انجام دهند، زیرا پادشاه رویا را فراموش کرده است. اگر محتوای رویا برای آنها بیان می‌شد، آنها می‌توانستند تفسیری را برای خرسند کردن پادشاه ارائه دهند. اما در این موقعیت استثنایی که تعبیرکنندگان خواب نمی‌توانند به پادشاه بگویند که رویا در مورد چیست، مجبورند به این مسئله اعتراف کنند که «چیزی را که پادشاه خواسته، به قدری دشوار است که هیچکس نمی‌تواند آن را انجام دهد، مگر خدایانی که بر روی زمین زندگی نمی‌کنند» (دانیال ۲: ۱۱).

با از بین رفتن امیدها پادشاه فرمان می‌دهد که تمام حکیمان بابل را هلاک کنند. چنین قساوت و بیرحمی در جهان باستان بی سابقه بود. منابع تاریخی ادعا می‌کنند که به دلیل توطئه‌ای، داریوش اول، تمام مجرمین را اعدام کرد، و خشایارشا مهندسانی را که پل فرو ریخته‌ای را ساخته بودند به مرگ محکوم کرد. هنگامی که نبوکدنصر فرمان خود را صادر می‌کند، دانیال و همراهانش تازه دوران آموزش خود را به پایان رسانده بودند و در هیئت کارشناسان پادشاه پذیرفته شده بودند. به همین دلیل، حکم مرگ صادر شده توسط پادشاه شامل حال آنان نیز می‌شد. در حقیقت، زبان اصلی نشان می‌دهد که حکم اعدام بلافاصله شروع به اجرا می‌شود و دانیال و یارانش نفرت بعدی خواهند بود که اعدام خواهند شد. اما دانیال، با «حکمت و بصیرت» (دانیال ۲: ۱۴)، نزد اریوک، مردی که مسئول اجرای فرمان اعدام بود رفت. سرانجام دانیال به منظور حل راز و رمز رویا از خود شخص پادشاه درخواست زمان کرد. جالب توجه است، با اینکه پادشاه تعبیر کنندگان خواب را متهم کرد که تلاش دارند برای خود «وقت» بخرند، او فوراً درخواست «زمان» دانیال برای دادن «وقت» به او را قبول کرد. دانیال قطعاً با تعبیر کنندگان خواب در مورد اینکه هیچ بشری نمی‌تواند رمز و راز چنین رویایی را تعبیر کند، موافق بود اما همچنان نبی می‌داند که چه کسی می‌تواند مفهوم و تفسیر رویا را بر ملا کند.

دانشمندان الهیات درباره « حضور خداوند در مخلوق » می گویند، که با وجود این که بشر از آفریده های دیگر متمایز و برتر است، به همین خاطر خدا همچنان می تواند به او نزدیک نزدیک باشد. این واقعیت که او به نبوکدنصر پادشاه این رویا رامی دهد، چه چیزی را فقط درباره اینکه چگونه خدا می تواند در ما باشد، به ما یاد میدهد؟ (نگاه کنید به اعمال ۱۷: ۲۸).

دوشنبه

۲۳ دی

دعا

دانیال بلافاصله سه نفر از دوستانش را برای جلسه دعا خبر می کند، برای آنان توضیح می دهد که اگر خدا رویای پادشاه را تعبیر و برملا نکند، آنها اعدام خواهند شد. هر زمان که ما با یک مشکل بزرگ مواجه هستیم، باید همچنین بدانیم که خداوند ما به اندازه کافی بزرگ و قادر است که حتی چالشها و مشکلات غیر قابل حل را حل کند.

دانیال باب ۲: ۱۷ تا ۲۳ را بخوانید. دو نوع دعایی که در اینجا دعا وجود دارند چه هستند؟

دو نوع دعا در این باب ذکر شده اند. اولین دعا، دعایی است که دانیال از خداوند می خواهد که مفهوم رویا و تفسیرش را روشن سازد (دانیال ۲: ۱۷ تا ۱۹). کلمات این دعا داده نشده است، اما به ما گفته می شود که دانیال و دوستانش « درباره این راز از خدای آسمانها طلب رحمت می کنند، مبادا دانیال و دوستانش نیز با دیگر حکیمان بابل هلاک شوند » (دانیال ۲: ۱۸). همانطور که آنها دعا می کنند، خدا به درخواست آنها پاسخ می دهد و مفهوم و تفسیر رویای پادشاه را برملا می سازد. ما می توانیم اطمینان خاطر داشته باشیم که هر زمان در پی « مطالبه رحمت های خدای آسمانها » باشیم، دعاهای ما از طرف او شنیده خواهد شد، حتی اگر در حد شیوه دراماتیکی مانند آنچه که در اینجا دیدیم نباشد، با اینحال خدای دانیال، خدای ما نیز است.

در پاسخ، خداوند درخواست های آنان را اجابت می کند، دانیال و دوستانش با دعای شکرگزاری و ستایش در ایمان شکوفا می شوند. آنها خدا را برای سرچشمه خرد و حکمت بودن و کنترل تاریخ طبیعی و سیاسی جهان ستایش می کنند. در اینجا یک درس مهم وجود دارد که می توانیم یاد بگیریم. همانطور که ما برای خیلی چیزها دعا و درخواست می کنیم، چند وقت یکبار خدا را برای جواب دادن به دعاهايمان، ستایش و از او سپاسگزاری می کنیم؟ تجربه مسیح با ده جدایی، تصویری مناسب از ناشکری و ناسپاسی انسان را به ما نشان می دهد. از ده نفر شفا یافته تنها یک نفر برگشت « تا خدا را سپاس گوید »

(لوقا ۱۷: ۱۸). واکنش دانیال نه تنها به ما اهمیت شکرگزاری و پرستش را یادآوری می کند، بلکه همچنین، برای ما ذات خداوندی را که به درگاه او دعا می کنیم را آشکار می سازد. هنگامی که ما به درگاه او دعا می کنیم، می توانیم به او اعتماد کنیم که او آنچه را که به نفع و خیریت ماست برای ما انجام خواهد داد و بدین ترتیب ما باید همیشه او را ستایش و از او تقدیر به عمل آوریم.

مزمور ۱۳۸ را بخوانید. چه چیزی را می توانید از این دعای شکرگزاری درک کنید که می تواند به شما کمک کند تا یاد بگیرید که بدون توجه به شرایط خودتان، خداوند را شکر کنید و از او سپاسگزار باشید؟

۲۴ دی

سه شنبه

تمثال، بخش اول

دانیال باب ۲: ۲۴ تا ۳۰ را بخوانید. دانیال از اهمیت چه چیزی سخن می گوید که باید همیشه به خاطر داشته باشیم؟ (به یوحنا ۱۵: ۵ مراجعه کنید)

خداوند در پاسخ به دعا، مفهوم رویا و تفسیرش را آشکار می سازد. و دانیال بدون تأمل به پادشاه می گوید که راه حل تفسیر رازها از سوی « خدای آسمان » است. همچنین دانیال قبل از گزارش تعبیر رویا و تفسیر آن، افکار بیان نشده و نگرانی های پادشاه، و علت بی خوابی های اخیر او در بستر خواب را ذکر می کند. این اطلاعات ضمنی اعتبار این پیغام را بیشتر تأیید می کند، زیرا که این چنین اطلاعاتی برای شناخت پادشاه فقط از طریق قدرت ماوراء طبیعی به دانیال رسیده است. اما همانطور که دانیال نتیجه گزارش خود، تعبیر رویا و تفسیر آن را داد او خطر دیگری را برای خود ایجاد کرد، زیرا که خود رویا لزوماً خبر خوبی برای نبوکدنصر نبود.

دانیال باب ۲: ۳۱ تا ۴۹ را بخوانید. چه چیزی را رویا درباره سرنوشت پادشاهی نبوکدنصر می گوید؟

رویا شامل تمثال با شکوهی که « سر آن از طلای خالص ساخته شده بود و سینه و بازوهایش از نقره، شکم و رانهایش از برنز، ساقهای او از آهن و پاهایش قسمتی از آهن و قسمتی از گل بود » (دانیال ۲: ۳۲، ۳۳). در نهایت یک سنگ « پاهای آهنی و گلی

آن مجسمه را درهم شکست» (دانیال ۲: ۳۴)، و کل ساختار تمثال نابود شد و پراکنده شد، همانند پراکنده شدن کاه بوسیله باد. دانیال توضیح می دهد که فلزات مختلف نشانگر پادشاهی های پی در پی هستند که در طول تاریخ جایگزین یکدیگر می شوند. برای نبوکدنصر پیام روشن است: بابل، با همه قدرت و شکوهش از بین خواهد رفت و پادشاهی دیگری جایگزین آن خواهد شد، و پادشاهی های دیگر به دنبال آن خواهند آمد، تا زمانی که پادشاهی با ماهیت کاملاً متفاوت جایگزین همه آنها بشود: پادشاهی ابدی خداوند که برای همیشه ادامه خواهد یافت.

به چگونگی عبور گذرا و موقتی بودن همه چیزهای انسانی نگاه کنید. چه چیزی را این حقیقت باید به ما درباره امید بزرگ ما در عیسی مسیح و تنها در مسیح، یاد بدهد؟ (یوحنا ۶: ۵۴، دوم قرنیتیان ۴: ۱۸).

دی ۲۵

چهارشنبه

بخش دوم تمثال

دوباره خواب و تعبیر آن را (دانیال ۲: ۳۱ تا ۴۹) بخوانید. این چه چیزی را به ما درباره پیش بینی خداوند از تاریخ جهان، می آموزد؟

نبوت بیان شده از طریق رویای نبوکدنصر، یک طرح کلی نبوی را به عنوان معیاری برای رسیدن به نبوتهای دقیق تر دانیال در باب های ۷، ۸، و ۱۱ ارائه می دهد. همچنین دانیال باب ۲ نبوت مشروط نیست. این پیشگویی زمان آخر است: یک پیش بینی دقیق از آنچه که خدا از قبل در نظر گرفته است و در واقع در آینده به وقوع خواهد پیوست. ۱. **سر طلایی**، نماد بابل است (۶۲۶ - ۵۳۹ ق.م.). در واقع، هیچ فلزی بهتر از طلا نمی تواند قدرت و ثروت امپراتوری بابل را نشان دهد. کتاب مقدس آن را «شهر طلایی» (اشعیا ۱۴: ۴) می نامد، و «یک جام زرین» (ارمیا ۵۱: ۷)؛ را با مکاشفه ۱۸: ۱۶ مقایسه کنید). هرودوت مورخ باستان گزارش می دهد که فراوانی طلا، زینت بخش شهر بود.

۲. **سینه و بازوهایش از جنس نقره**، سمبل ماد - فارس بود (۵۳۹ - ۳۳۱ ق. م.) همانطور که نقره کمتر از طلا ارزش دارد، امپراتوری ماد - فارس هم هرگز شکوه و عظمت امپراتوری بابل را بدست نیاورد. علاوه براین، نقره همچنین یک نماد مناسب برای پارسیان بود چراکه در سیستم مالیاتی خود از فلز نقره استفاده می کردند.

۳. **شکم و ران ها از فلز برنز**، سمبل یونان بود (۳۳۱ - ۱۶۸ ق. م.). حزقیال ۲۷: ۱۳ یونانی ها را به عنوان معامله گران ظروف برنزی معرفی میکند. سربازان یونانی بخاطر

زره های برنزشان مورد توجه بودند. کلاه، سپر، ارابه های جنگی آنها همه از جنس برنج ساخته شده بود. هرودوت به ما می گوید که سامتیکوس اول از مصر در تهاجم دزدان دریایی یونانی شاهد تحقق این پیشگویی بود که مردان برنزی از دریا می آیند.

۴. **پاهای آهنین** به درستی نمایانگر روم است (۱۶۸ ق.م. - ۴۷۶ ب.م.). همانطور که دانیال شرح می دهد، آهن نشان دهنده قدرت خرد کنندگی امپراتوری روم بود، که طولانی تر از هر پادشاهی قبلی حکومت کرد. آهن یک فلز عالی بود که سمبل و نماد این امپراطوری باشد.

۵. **پاها بخشی از آهن و بخشی از خاک رس**، نماد کشورهای اروپایی منقسم شده هستند. مخلوط آهن و خاک رس تصویری مناسب از آنچه بعد از فروپاشی امپراتوری روم اتفاق افتاده میباشد. اگرچه تلاش های بسیاری برای یکپارچگی کشورهای اروپایی صورت گرفته است، اعم از ازدواج بین خانواده های سلطنتی ولی تا زمان حاضر در اتحادیه اروپا، اختلاف و جدایی وجود داشته است و طبق این نبوت تا زمانی که پادشاهی ابدی خداوند برقرار شود، این اختلاف و جدایی باقی خواهد ماند.

دی ۲۶

پنجشنبه

سنگ

دانیال باب ۲: ۳۴، ۳۵، ۴۴، ۴۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی را درباره سرنوشت نهایی جهان به ما می آموزند؟

تمرکز رویا بر روی این است که در « روزهای آخر » (دانیال ۲: ۲۸) چه اتفاقی خواهد افتاد. همانطور که ممکن است، پادشاهی های فلز (و خاک) قدرتمند و ثروتمند بوده باشند، آنها چیزی جز مقدمه ای برای استقرار پادشاهی سنگ نبودند. در حالی که تا حدودی فلزات و خاک رس محصولات تولیدی توسط انسان می توانند باشند، در رویا سنگ بدون لمس دست انسان می آید. به عبارت دیگر، اگرچه هر یک از پادشاهی های قبلی در نهایت به پایان می رسند، پادشاهی که توسط سنگ نشان داده می شود برای همیشه پا بر جا خواهد ماند و ابدی است. پس استعاره سنگ، اغلب نماد خداوند است (برای مثال تثنیه ۳۲: ۴، اول سموئیل ۲: ۲، مزمور ۱۸: ۳۱)، همچنین سنگ ممکن است نماد مسیح باشد (مزمور ۱۱۸: ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴، ۷). بنابراین، هیچ چیزی مناسب تر از شکل سنگ نیست که نمادی از برقراری پادشاهی ابدی خدا باشد.

برخی استدلال می کنند که پادشاهی سنگ در طول خدمت زمینی مسیح تاسیس شده است و اینکه نشر و تبلیغ انجیل به عنوان علامت آن است که پادشاهی خداوند

بر کل جهان مسلط شده است. با این وجود پادشاهی سنگ تنها بعد از سقوط چهار پادشاهی اصلی و رسیدن تاریخ بشر به دوران پادشاهی های جدا شده که بوسیله پا و انگشتان آن در تمثال نشان داده شده، برقرار خواهد شد. این واقعیت نمی تواند در طول قرن اول تحقق یافته باشد، زیرا که رسالت زمینی مسیح در دوران حکومت روم، پادشاهی چهارم بوقوع پیوست.

اما سنگ به کوه برخورد می کند. به این معناست که « آن سنگ آن قدر بزرگ گردید که سراسر روی زمین را پوشانید » (دانیال ۲: ۳۵). کوه این چینی، کوه صیهون جایی که معبد در آن قرار داشت را به یاد می آورد، که معرف پادشاهی واقعی و منسجم زمینی خداوند در زمانهای عهد کهن می باشد. جالب است که سنگ جدا شده از کوه، خودش تبدیل به کوهی می شود. این کوه که بر اساس متن در حال حاضر وجود دارد، به احتمال زیاد به صهیون آسمانی، قدس آسمانی اشاره می کند، به همین دلیل مسیح برای برقراری پادشاهی ابدی خود خواهد آمد. و در اورشلیم از آسمان فرود خواهد آمد (مکاشفه ۲۱: ۱-۲۲: ۵)، این پادشاهی در نهایت تحقق پیدا خواهد کرد.

تاکنون، پیش بینی دانیال باب ۲ در مورد تمام پادشاهی ها درست بوده است. پس، آیا منطقی و عقلانی نیست که به نبوت آن در مورد آمدن پادشاهی نهایی، پادشاهی خداوند اعتماد کرد؟ چرا اینقدر غیر منطقی است که نبوت را باور نکنیم؟

تفکری فراتر: با توجه به تمثال ذکر شده در باب ۲ کتاب دانیال می آموزیم که آن مجسمه از طلا و نقره ساخته شده است که فلزاتی هستند که به توانایی اقتصادی مرتبط هستند. تمثال همچنین از آهن و برنز ساخته شده است که از آنها در ساختن ابزار و سلاح و ظروف سفالی استفاده می شوند، که در دنیای باستان برای اهداف ادبی و داخلی مورد استفاده قرار می گرفت. بنابراین، این تمثال تصویری واضح از بشریت و دستاوردهای آن را ارائه می دهد. مطلوب ترین تشریح بخش های متفاوت تمثال، توالی پادشاهی های جهان و جدایی نهایی که در روزهای آخر تاریخ بشر غالب خواهد شد را نشان می دهد. با این حال، سنگ به طور مشخص به عنوان چیزی که با « دست انسان » (دانیال ۲: ۴۵) ساخته نشده است، یک یادآور قدرتمند از آمدن پایانی شگفت انگیز است که به این جهان موقت و تمام دستاوردهای انسانی آن خاتمه می دهد.

اگرچه « از دیدگاه انسانی ممکن است تاریخ بشری یک آشفتگی متضاد از نیروها و نیروهای متقابل باشد..... دانیال به ما اطمینان می دهد که در پس همه اینها

خداوند است، به پایین بر آن نگاه می کند و آن را در رسیدن به آنچه که او آن را بهترین می داند، هدایت میکند». ویلیام ح. شیا، دانیال: راهنمای خواننده (مَپا، آیداهو: انتشارات پاسفیک، ۲۰۰۵)، صفحه ۹۸.

سؤالاتی برای بحث

۱. خوب است بدانیم که در میان همه آشفتگی ها و رنج های این جهان، خدا در نهایت کنترل آن را به عهده دارد و همه چیز با شکوه به پایان خواهد رسید. تا آن زمان، نقش ما در تلاش برای انجام همه خوبی ها که می تواند کمکی به کاهش رنجهای این جهان سقوط کرده بکند، چیست؟

۲. چگونه همکاری نزدیک و ظاهراً وفاودارانه دانیال و اسیران را با رهبر بت پرست که آسیب زیادی به قوم خود دانیال رساند را توضیح می دهیم؟

۳. همانطور که مشاهده کردیم، برخی استدلال دارند که سنگی که بدون برخورد دست انسان از کوه جدا شد، اشاره به گسترش و تبلیغ انجیل در جهان است. این به چند دلیل نمی تواند درست باشد، از جمله آنچه که در دانیال باب ۲: ۳۵ می گوید، که سنگ ملت های قبلی را در هم خواهد کوبید بطوریکه « باد آنان را مانند گرد و غبار هنگام خرمین کوبی پراکنده نمود که دیگر اثری از آن بر جای نماند ». این اتفاق بعد از صلیب رخ نداد. علاوه براین، برخی از تلاش ها برای شناساندن کلیسا به عنوان پادشاهی سنگ شکست خورده است، توجه کنید که پادشاهی سنگ جایگزین تمام اشکال دیگر حکومت های انسانی می شود. این پادشاهی است که تمام جهان را در بر می گیرد. بنابراین، فقط آمدن دوباره مسیح می تواند این فرایند را در رسیدن به نقطه اوج این رویای نبوی تکمیل کند. چرا، پس، آمدن دوباره مسیح تنها تفسیر معقول از آنچه است که سنگ در پایان زمان انجام خواهد داد؟